

کنفرانس شاهنامه و سیاحتنامه آمریکا

دکتر محمد جعفر یاحقی

سال پیش ابتدا شفاهی و بعد هم کتباً از من دعوت شد که در کنفرانسی که برای بزرگداشت شاهنامه قرار است در دانشگاه کالیفرنیا برگزار شود شرکت کنم؛ که چون پای فردوسی در میان بود پذیرفتم. برای پذیرفتن این دعوت از دو سه جانب دیگر نیز وظیفه دار بودم:

- از آن رو که مدیر قطب علمی فردوسی شناسی هستم و سالهاست که برای اعتلای نام دانشگاه فردوسی کوشش می‌کنم.
 - از آن رو که مدیر فرهنگسرای فردوسی بودم و می‌بایست به هر ندایی در جهت فردوسی شناسی پاسخ بدهم.
 - و بالأخره به این علت که در دانشگاه فردوسی درس خوانده و از اوّل کارم در این مرکز علمی به دانشجویان نسلهای بسیاری شاهنامه درس داده‌ام.
- مطلب دیگری که این پیشنهاد را برایم دلپذیر کرد، موضوع سخن بود که از جانب خود آنان اظهار علاقه شده بود که من در خصوص فعالیتهای فردوسی شناسی در دانشگاه فردوسی سخن بگویم. و بالأخره کشش و جاذبه‌ای که دانشگاه بلند آوازه کالیفرنیا می‌توانست برایم داشته باشد؛ بخصوص که قریب به بیست سال پیش هم یک بار دیگر به لوس آنجلس رفته و چند ساعتی در فضای رؤیایی این دانشگاه نفس کشیده بودم.

اصل دعوت از من برای شرکت در کنفرانس دو روزه «شاهنامه حماسه ملی ایران» (The Shahnameh: Iran's National Epic) بود که طی روزهای 25 و 26 ماه می 2010 در دانشگاه کالیفرنیا (UCLA) تشکیل می‌شد و مقدمات سفر از قبیل ویزا و مأموریت از دانشگاه و مرخصی و دیگر قضایا هم بر همین اساس صورت می‌گرفت. در همان دعوت نامه اولیه که برای من فرستاده بودند، جهت اطلاع یاد آور شده بودند که دو کنفرانس دیگر پیش و پس از این کنفرانس نیز در دانشگاه کالیفرنیا برگزار خواهد شد؛ و من که از پیش تصمیم گرفته بودم حالا که با زحمت می‌توانم ویزای مربوط را بگیرم، برای دیدار از دیگر مراکز علمی آمریکا، چند روزی بیشتر در ایالات متحده بمانم، از این نوید نیز می‌توانستم خرسند باشم. این بود که با همه تراکم کاری

دهه آخر اردیبهشت (از جمله: برگزاری مراسم یادروز فردوسی در سه شهر: اصفهان، مشهد و زابل، حضور رئیس و اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی به دعوت من برای نخستین بار در دانشگاه فردوسی و همایش «فردوسی و زبان فارسی»، مراسم رونمایی از کتاب چون من در این دیار، جشن نامه دکتر رضا انزلی نژاد، که در قطب علمی تولید و چاپ شده و قرار بود روز 26 اردیبهشت ماه بلافاصله پس از برگزاری همایش «فردوسی و زبان فارسی» رونمایی شود و همچنین برگزاری همزمان همایش «ادبیات تطبیقی عربی - فارسی» که با همکاری قطب علمی در بیروت برگزار می‌شد و...)، برنامه سفر خود را جوری تنظیم کردم که به هر سه کنفرانس برسم و دست کم از فضای علمی و سخنرانیهای مربوط استفاده کنم. این بود که روز یکشنبه 26 اردیبهشت ماه 1388 بلافاصله پس از برگزاری جلسه رونمایی به تهران و از آن جا به دبی و لوس آنجلس رفتم.

کنفرانس اول که خودم را مقید کرده بودم در جلسات آن شرکت کنم کنفرانس «حضور ترک در دنیای اسلام» (The Turkish Presence in the Islamic World) بود که صبح روز سه شنبه 18 ماه می 2010 برابر با 28 اردیبهشت 1388 در رویس هال (Royce Hall) دانشگاه کالیفرنیا تشکیل شد. در این کنفرانس دو روزه دانشمندی ترک شناس و اسلام شناس از چند دانشگاه آمریکا (من جمله دانشگاههای کالیفرنیا، شیکاگو، اوهایو استیت، راجرز و پرینستون) و دانشگاههای چند کشور دیگر (از جمله ادینبوروی انگلستان، سوآس لندن، دانشگاه لندن و بوداپست مجارستان) و یک محقق آزاد به نام گری لیزر (Gary Leiser) سخنرانی های علمی خود را ارائه دادند.



نمایی از رویس هال

این کنفرانس اساساً برای تجلیل از مقام علمی پروفیسور کیلفورد ادمنوند باسورث استاد بازنشسته دانشگاه منچستر انگلستان تشکیل شده بود که تحقیقات او در زمینه های ترک شناسی، ایران شناسی و اسلام شناسی با تمرکز بر تاریخ ایران سده های

میانه و دوره غزنویان حتی در ایران هم زبانزد است. سخنران کلیدی این کنفرانس هم خود وی بود که در جلسه پایانی سخنرانی خود را در همین موضوع ارائه کرد. علت اصرار من برای شرکت در این کنفرانس علاوه بر استفاده از سخنرانیهای ارائه شده، دیدار با پروفیسور باسورث و اهدای یک دوره تصحیح جدید تاریخ بیهقی به وی بود، که در پایان جلسه صورت گرفت؛ برای آن که از دو سه سال پیش مستقیم و غیر مستقیم در جریان کار مشترک وی با دکتر محسن آشتیانی و کوشش او برای ترجمه تاریخ بیهقی به زبان انگلیسی بودم و مکاتباتی هم در این خصوص میان ما صورت گرفته بود.

در فرصتی که تا کنفرانس من باقی بود، به بهانه دیدارخویشاوندی که در دانشگاه استنفورد درس می خواند، (البته در رشته مهندسی)، به سانفرانسیسکو رفتم و از این دانشگاه نیز دیداری کوتاه و توریستی به عمل آوردم. شنیده بودم که در این دانشگاه هم بخش ایران شناسی و زبان فارسی دایر است و دکتر عباس میلانی چهره شاخصی است که در این بخش به فعالیت اشتغال دارد. از فعالیتها و مراکز و جلسات ادبی و فرهنگی ایرانیان در «سن حوزه» هم آگاه بودم اما به دلیل ضرورت بازگشت به لوس آنجلس امکان آشنایی بیشتر با این مراکز حاصل نشد.



دانشگاه استنفورد

اما کنفرانس «شاهنامه: حماسه ملی ایران» که من برای آن به کالیفرنیا آمده بودم، صبح روز سه شنبه 25 ماه می 2010 / 5 خرداد 1388 در یکی از تالارهای دانشگاه کالیفرنیا آغاز به کار کرد. در این کنفرانس جمع و جور دو روزه کسانی از دانشگاههای تهران (دو تن)، کلمبیا (دو تن)، کالیفرنیا (دو تن)، برنسدس، اوهایو استیت، شیکاگو، هامبورگ آلمان، کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دانشگاه فردوسی مشهد (هرکدام یک تن) برای سخنرانی دعوت شده بودند. در میان سخنرانان شاخص و شاهنامه شناسان بنام امریکایی نام خانم اولگا دیویدسن و آقایان فرانکلین لوئیس و دیک دیویس هم به چشم می خورد. از دو تن دعوت شدگان از دانشگاه تهران آقای

ایرج افشار به دلیل کسالت و دوری راه و دکتر شفیع کدکنی، که آن روزها در پرینستون مشغول تحقیق بود، به دلیل گرفتاری شرکت نکردند. سخنرانی استادیارج افشار را آقای دکتر محمود امید سالار از کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا قرائت کرد.

سخنرانی این جانب چنان که پیش از این گفتم به پیشنهاد دعوت کنندگان با عنوان «مطالعات فردوسی شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد» (Ferdowsi Studies in at Ferdowsi University of Mashhad) بعد از ظهر روز چهارشنبه 26 می 2010 برابر با 6 خرداد 1380 ایراد شد و به دلیل تصور نادرستی که اغلب حاضران و به ویژه هموطنان ایرانی حاضر در جلسه از مسائل فرهنگی داخل ایران داشتند، با شگفتی و استقبال تمام روبرو شد و پرسشهایی زیادی به دنبال داشت که تا ساعتی پس از پایان رسمی جلسه به صورت سرپایی ادامه یافت.

در این سخنرانی که 45 دقیقه طول کشید، من ابتدا سخن را از کنگره بزرگ هزاره شاهنامه در سال 1313 آغاز کردم و نشان دادم که چگونه این حادثه فرهنگی موجب توجه بیشتر به فردوسی و زبان فارسی از یک طرف و سبب توجه مسئولان وقت فرهنگی مملکت برای راه اندازی و تأسیس دانشگاه مشهد و توجه ویژه به زبان فارسی در خراسان شد. پس از آن با اشاره به تأسیس دانشکده ادبیات مشهد به عنوان سومین دانشکده ادبیات در سطح کشور پس از تهران و تبریز، و قدیمی ترین دانشکده دانشگاه مشهد آن روز نشان دادم که چگونه پس از آن که مطالعات فردوسی شناسی در این دانشکده از سالها پیش در قالب مقالات ادبی منتشره در مجله دانشکده و پایان نامه های دانشجویی که از سوی استادان وقت این دانشگاه راهنمایی می شد، آغاز شده بود، سرانجام نام «فردوسی» برای این دانشگاه انتخاب شد و فعالیت های فردوسی شناسی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن در این دانشگاه به همت استادان و دانشجویان علاقه مند به مطالعات شاهنامه شناسی به گونه ای استمرار یافت و نام این دانشگاه را در این عرصه تا آن جا بلند آوازه کرد، که پس از تأسیس قطب های علمی برازنده ترین نامی که برای قلمرو مطالعاتی استادان این دانشکده و در نتیجه نام این قطب علمی به ذهن می آمد، «فردوسی شناسی» بود.



فضای دانشگاه کالیفرنیا

بلافاصله پس از برگزاری این کنفرانس بخش مطالعات شرق نزدیک دانشگاه کالیفرنیا میزبان یکی از بزرگترین کنفرانسهای ایران شناسی، یعنی «هشتمین کنفرانس دوسالانه مطالعات ایرانی»

(The 8th Biennial Conference on Iranian Studies/ ISIS) بود که دهها استاد و محقق ایرانی و غیر ایرانی اما ایران شناس از آمریکا و کانادا و کشورهای دور و نزدیک اروپایی و جز آن در سانتا مونیکی لوس آنجلس برای ارائه تازه ترین دستاوردهای علمی خود طی روزهای 27 تا 30 ماه می 2010 گرد هم آمده بودند.



کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا

پس از پایان این کنفرانس و آشنایی با کتابخانه عظیم و بخشهای مختلف دانشگاه کالیفرنیا، به بهانه دیدار خویشاندی که از سالها پیش رحل اقامت به ایالت واشنگتن افکنده است، عازم این ولایت در شمال غرب قاره آمریکا شدم. اقامت دو هفته‌ای من در این ایالت سرسبز و گره خورده با صنایع الکترونیک مایکروسافت، آشنایی با بخش «زبانها و فرهنگهای شرق نزدیک» دانشگاه واشنگتن و به ویژه بخش مربوط به زبان فارسی و مطالعات ایران شناسی این دانشگاه در شهر سیاتل بود. در این بخش مطالعات ایرانی در حوزه های تاریخ، و فرهنگ و ادبیات مدرن و کلاسیک فارسی و تاجیکی جریان دارد و از آن جمله تحقیق و بررسی در ادبیات عرفانی، ادبیات حماسی و هنر و معماری ایران در جریان است.



بخش فارسی دانشگاه واشنگتن (سیاتل)

ادامه سفر من به شرق آمریکا و دیدار از دانشگاه‌های جرج تاون (در واشنگتن دی سی)، مریلند (در ایالت مریلند) و پرینستون (در ایالت نیوجرسی) بود. دانشگاه جرج تاون که قبل از انقلاب اسلامی با دانشگاه فردوسی مشهد قرارداد همکاری‌های علمی و فرهنگی داشت، دانشگاه کوچک اما مهمی است که از زمره کهنسال‌ترین دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود. بخش فارسی این دانشگاه متأسفانه در دهه‌های اخیر تعطیل شده و به دلیل حمایت مالی کشورهای عربی، جای خود را به مطالعات عرب‌شناسی داده است.

دانشگاه مریلند دانشگاه بلند نام و آوازه‌مندی است که در بسیاری از رشته‌های علوم جدید صاحب نام و در زمره نخستینان است. بخش فارسی این دانشگاه به تازگی راه اندازی یا دست‌کم فعال شده است. در «انستیتو میراث فرهنگی روشن» (Roshan Institute Cultural Heritage) وابسته به این دانشگاه بخشی برای مطالعات زبان فارسی وجود دارد که در سه سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو دارد و برنامه‌های مفصلی زیر نظر استادان ایرانی مرکز اجرا می‌کند. در دوره‌های عالی بیشتر مطالعات به سوی ایران‌شناسی یا مطالعات ادبیات تطبیقی هدایت می‌شود. برای تکمیل و تقویت فارسی دانشجویان برجسته طی یک برنامه منظم رای یک دوره دو ماهه تابستانه یا یک سال تحصیلی کامل به دو شنبه پای تخت تاجیکستان اعزام می‌شوند. هم‌اکنون 6 تن استاد ایرانی و امریکایی در این بخش به تدریس زبان فارسی و تحقیق در باره زبان و فرهنگ ایران سرگرمند.

«انستیتو مطالعات میراث فرهنگی روشن» وابسته به دانشگاه مریلند عمدتاً از محل مبالغ اهدایی یکی از ایرانیان خیر و با حمایت دانشگاه اداره می‌شود. در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی قانون در جهت طراحی شده که زمینه برای سرمایه‌گذاری ثروتمندان در جهت گسترش علم و حمایت از مراکز علمی و دانشگاه‌ها فراهم می‌شود و افراد ثروتمند برای جلب حمایت‌های قانون داوطلبانه مبالغ قابل توجهی به مراکز علمی و تحقیقاتی کمک می‌کنند.

نام و آوازه دانشگاه پرینستون چیزی نیست که آدم را برای دیدار از این مرکز علمی بلند آوازه وسوسه نکند. این بود که دو روز از روزهای اقامت در شرق آمریکا را در پرینستون گذرانیدم به میزبانی استاد بلند نام دانشگاه تهران دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، که از سال گذشته برای گذراندن یک دوره مطالعاتی به این مرکز رفته و آن روزها که من آنجا بودم روزهای پایانی دوران اقامت خود در این شهر را می‌گذرانید.

پرینستون به معنی واقعی یک شهرک دانشگاهی است که جز یک خیابان با راسته مغازه‌هایی، - که آن هم عمدتاً حوائج ساکنان دانشگاه و توریست‌هایی را تأمین می‌کند که برای زیارت این مرکز علمی و تنفس در هوایی که کسانی امثال آلبرت انشتین در آن نفس کشیده‌اند، به این شهر می‌آیند - بقیهٔ بدنهٔ شهر را کمپوس دانشگاه و بناها و کالج‌ها و انستیتوهای مربوط تشکیل می‌دهد. دیدار از فولد هال (Fold Hall) که آلبرت انشتین بخش عمده‌ای از فعالیت‌های علمی خود را در آن مکان گذرانیده و کتابخانهٔ عظیم و پر آوازهٔ دانشگاه پرینستون و انستیتو مطالعات پیشرفتهٔ این دانشگاه (Institute for Advanced Study) و آشنایی با فضاها و دلپذیر مطالعاتی و دانشجویی این دانشگاه به لطف دکتر شفیع و همقدمی دکتر احمد کریمی حکاک استاد دانشگاه مریلند برایم میسر شد. از بدایع دیدنی‌های این دانشگاه دست کم برای ما ایرانیها تصویر محمد بن زکریای رازی است بر روی شیشه‌های رنگی نمازخانهٔ دانشگاه پرینستون، در حالتی که کتاب الحاوی را در دست دارد. بنای این کلیسا به یک و نیم قرن گذشته مربوط می‌شود. نام رازی و اسم کتاب او الحاوی به خط عربی بر وی شیشه و کنار پیکرهٔ او نوشته شده است.

پرینستون شکارگاه مغزهای بزرگ و افتخارات ملل و همیشه پایگاه علمی فیزیک جهان بوده است. دیروز انشتین از اروپا حذب این مرکز شده بود و امروز، چنان که می‌گفتند، بزرگترین متفکر فیزیک جهان «نیما ارگانی حامد» یک ایرانی جوان است که دانشگاه پرینستون به وجود او افتخار می‌کند.

وقتی انسان در فضای نوع دانشگاه پرینستون نفس می‌کشد و امکانات علمی و فیزیکی آن را با نوع خودی آن مقایسه می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که چیزی به عظمت یک تاریخ چند هزار ساله را در پای جهل قربانی کرده است.